



الشار

نشریه فرهنگی و اجتماعی جوانان



پیام تبریکی به مناسبت شکست روس ها از افغانستان!

سرمقاله

لعل میر دانشور مرادی

بنام خداوند توانا، نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار، بیست و سومین سال روز خروج روس ها را به کافه کشور عزیز مان و مخصوصاً به ملت غیور و باشهامت غور مبارک باد میگوید!!!

انگلیس در سالهای 1839 تا 1919 تلاش کرد تا از طریق براه اندازی سه جنگ، افغانستان را اشغال کند که با شکست مواجه شد و در این راستا تنها 28 هزار انگلیس کشته شدند. همچنان کشور سرخ شوروی به تاریخ 6 جدی 1358 از راه پل حیرتان وارد خاک افغانستان شد و این خاک را اشغال کردند. شوروی سابق به تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست، در افغانستان حضور پیدا کرد و بعد از حضور در این جا، مورد تقبیح و محکومیت همه دنیا قرار گرفت. مقاومت مردم افغانستان که حدود یک دهه در برابر اتحاد جماهیر شوروی دوام کرد، تلفات زیادی را به بار آورد. بیش از یک میلیون افغان شهید و هزار ها افغان را به سایر کشورها مهاجر، پناه هنده و در بدر کردند. جوانان، نو نهالان، افراد و اشخاص با استعداد را بر اثر مصروف بودن در جنگ ها بی سواد ساختند و جامعه ما را بی ثبات کردند. ولی با همه این مسائل، مردم افغانستان تسلیم خواست و اراده روس ها نشده و توپ و تانک و طیاره های پیشرفته اتحاد جماهیر شوروی، اراده مردم این کشور را نتوانست تسخیر کند بلکه حضور مستقیم و بعد هم برخورد های خشن روس ها، مردم را مصمم تر کرد و در این مسیر مردم جدی تر ایستادگی نمودند. بالا خره مردم افغانستان در 26 دلو 1367 هـ ش بر علیه رژیم و نیروهای اشغال گر شوروی قیام کردند که نوکران حزب کمونیست را از این خاک بیرون نمودند. این جنبش بر اساس باور های دینی و روحیه وطن دوستی شکل گرفت تا اینکه بعد از بیرون کردن نیروهای اشغال گر شوروی افغانستان کشور اسلامی، متحد، برادر پرور، مجاهد، قدرت سیاسی خود را بدست گرفت امید است که ملت مسلمان قهرمان افغانستان در حال و آینده نیز دشمنان خویش را شناخته متوجه اعمال شوم دشمنان دیرینه خود باشد. من الله توفیق

محب الرحمن "تعماتی" متعلم صنف دوازدهم لیسه سلطان شهاب الدین غوری

نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار فصل زمستان را به تمام مردم شریف و با شهامت غور تبریک عرض میدارد و از بارگاه ایزد منان خواهیم تا سال آینده سال پر برکت و سال نوید دهنده برای دهافین زحمتکش ما باشد سرفرازی شما را در تمام عرصه های زندگی تان خواهیم. زمستان چهارمین فصل از فصلهای تقویم خورشیدی و اولین فصل تقویم میلادی است. این فصل سردترین فصل سال است. زمستان در نیم کره شمالی بر اساس تقویم خورشیدی ماههای جدی، دلو و حوت می باشد این در حالیکه در نیم کره جنوبی ماه های سرطان، اسد و سنبله زمستان می باشد. زمستان معمولاً سردترین فصل سال است سردی هوا در زمستان 1390 ولایت غور (ولسوالی های بامیان و شهرک) به زیر (38-) درجه سانتیگراد هم رسیده است، در کشور روسیه حتی تا (50-) هم می رسد. در زمستان بعضی حیوانات به خواب زمستانی می روند و در فصل بهار دوباره زندگی را از سر می گیرند. زمستان دارای روز های کوتاه و شب های طولانی و سرد میباشد. علت سرد شدن زمین در زمستان، دوری آن از خورشید نیست و نه کمتر شدن فعالیت خورشید. بلکه زاویه محور چرخش خورشید نسبت به صفحه مدار زمین دارای انحراف ۲۳،۴۴ درجه است و همین انحراف نقش مهمی در تغییرات آب و هوای زمین دارد. به علت کروی بودن زمین، سطح بیضوی کشیده تر می شود که در نتیجه نور و گرمی خورشید کمتر به زمین می رسد. درین حال تغییرات آب و هوا در زیاد شدن فاصله زمین در مدار بیضوی اش با خورشید کمتر است.

فصل یکی از تقسیمات سال بر اساس تغییر آب و هوا است، گردش زمین به دور خورشید و مایل بودن محور زمین سبب کوتاه شدن روزها و سردی هوا در فصل زمستان می شود. **برف** یکی از ریزش های آسمانی و نیز نام پوششی است که بر زمین تشکیل می گردد. واژه کنونی برف از واژه پهلوی و فر *wافر* یا و فره گرفته شده است. با واژه *snow* در زبان انگلیسی و *Schnee* در آلمانی هم ریشه اند.

نظریات یونانیان باستان در مورد برف

آناکسیمن یکی از شاگردان **تالس**، فیلسوف مشهور یونانی گمان داشت که هرگاه باران یخ بزند، برف بوجود می آید. به نظر ارسطو برف و شبنم یخ زده دارای علتی مشابه هستند و تنها تفاوت میان آنها در درجه و مقدار ماده (تفاوت کمی) است، زیرا برف بر اثر یخ زدن ابر (سردی بسیار) و شبنم یخ زده بر اثر یخ زدن سردی (سردی کم)، تولید می شود.

اهمیت برف : برف به جهت این که آب جامد محسوب می شود، منبع بسیار مهمی برای تأمین آب آشامیدنی به شمار می رود. برف به خاطر اینکه رفته رفته به آب تبدیل می شود، اهمیت بیشتری نسبت به باران دارد. چون برف محتوی مقدار زیادی هواس، هادی ضعیفی برای گرما شناخته می شود. به همین علت پوششی از برف می تواند سبزی های در حال خواب مزارع را محافظت کند و با از درختان در مقابل سرمای بیش از حد نگهداری کند و ریشه سبزه ها را در کلبه های برفی از سردی هوا امان دهد. در حقیقت برف بزرگترین پشتوانه بر زندگی بشر در زمینه آبیاری و کشاورزی میباشد.

فروشگاه و ترمیم گاه مابیل " اکبریان "

از قدیم گفته اند که " گنج در ویرانه است " در ضمن این سخن رمضان "اکبری" فرزند محمد اکبر در قریه آقا گنبد الله یار (دوالک ملک) در یک خانواده مسلمان و متدین متولد شده، در سن هفت سالگی پدرش شهید شد. آقای اکبری به عمر ده سالگی نسبت به استعداد های الهی که داشت بدون استاد و مربی به ترمیم تیب ها و ساعت های کهنه شروع کرد و به تیب ها و ساعت های کهنه تمرین میکرد. از این طریق نان آور هشت نفر خانواده خود بود و در نیم روز به مکتب میرفت درس میخواند، وی تیب ساز و ساعت ساز مشهور قریه و منطقه خود بود است. آقای اکبری جوان 19 ساله با استعداد عالی که دارد فعلاً در مرکز شهر فیروز کوه "چغچران" پرژه و و سایل هر نوع مابیل چینیایی و کوریایی، تلویزیون و سی دی ، دی وی دی و غیره وسایل تخنیکی را ترمیم میکند. بیش از شصت فیصد مردم به نزد وی مراجع میکنند و هشتاد فیصد مردم شهر از وی کاملاً راضی هستند، آقای اکبری میگوید: من با برق های ای و سولری نیز کار کردم و چیز های را آموختم که تا حال استفاده نشده است. وی افزود: من بوجه ندارم که بخاطر سهولت کار وسایل بگیرم و به سه یا چهار آچار ویچ کش کار میکنم اگر کدام مرجع مالی مرا کمک کند میتوانم چیز های جدید را بیاموزم و بیا موزانم ، تا شود روزیکه به دولت و مردم خود از این طریق کمک کرده باشم .

آدرس ترمیم گاه : عقب کابل بانگ، کوچه اولی شهر فیروزکوه شماره تماس: 0796661124

محمد رسولی

طرز زندگی مردم الله یار در گذشته

محمود بی پروا

من از سال 1335 به بعد از طرز زندگی مردم الله یار خوب بیاد دارم و قبل از آنرا در طفلی از کلانها شنیدم. از آن وقت به بعد تا حال که سال 1390 هجری شمسی میباشد چهار دوره تغییر اساسی و بنیادی را در زندگی مردم الله یار مشاهده نموده ام که ذیلا توضیح میدهم:

زندگی قبل از سال 1337 هجری شمسی: مردم الله یار پیش از آن زندگی خیلی ساده و ابتدائی داشتند. آنها از همه چیز محروم بودند. فقط خوراک ایشان یک لقمه نان گندم همراه آب روان جوی ویا دریا و چشمه بود. برای اتاق بنایی منظر تری را کس نمی شناخت. از بخاری آتشی و چراغ الکین سراغی نبود. هر فردی از مردم فقط داخل قریه خود را می شناخت. رفت و آمد در دیگر قریه ها وجود نداشت. از شهرها و زندگی شهری خبری نبود. از کچالو و سبزی و امثال آن کس چیزی نمیدانست. بسیاری از مردم گوسفند را در روزهای خیرات و عروسی می یافتند و بس. خوراکیهای محلی مردم را قروتی، خلراک، آش، کاجی، پشپش و اشکنه تشکیل میداد. چای، بوره، قند و شکر را کس نمی شناخت. هر خانواده صرف یک اتاق خیلی معمولی و ناموزون داشت و در وسط آن دیکدان درست میکردند تا در آن آتش کرده و آب طهارت و خوراک محلی و نان کمبه به پزند. بعد از شام آتشی وجود نداشت چون دود چشم هارا به سوزش و اشک ریزی می انداخت. ظروف آنها را دیک های چدنی، بادیه، دیکنول و دیکنولچه و کاسه مسی، آفتابه طالی با نوله بسته تشکیل میداد. لباس آنان مشو و برک یعنی تکه های که از پشم گوسفند درست میکردند، تشکیل میداد. بعضی ها که توان خرید داشتند، از هرات پخته میخواستند و از آن کرباس می بافتند تا بخود کالا بوزند. اما بیاد نیست که به سر خود چه می بستند. جراب و پاپوشی در کار نبود. مرد وزن و طفل همه پای لوچ راه میرفتند. از گورگد سراغی نبود و برای آتش افروزی از آتش برق کار میکردند. باینکه خروجی را در زیر خاکستر برای بار دیگر ویا روز بعد نگاه مینمودند. اسب سواری و داشتن اسب خاصه اربابان و اغنیا بود. در زمستان و ایام سردی پاپوش آنها چارق بود که از پوست حیوانات و خا صتا پاپوچ گاو میساختند بجای جراب از پنباه استفاده میکردند. خانه های موسم گرم آنها به سرایش و خرگه بود. یکی از شاعران محل طرز زندگی آنوقت مردم الله یار را از طریق شعر بسیار موزونی به سرایش گرفته است که ذیلا آورده میشود. یقین دارم که این شعر را صرف کسانی میفهمند که از ولایت غور باشند خاصتا از الله یار...



اهدایه به نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار و به عموم جوانان افغانستان!

نویسنده: استاد غلام رسول منش

معنی عهد وفا و همبستگی چیست؟

استوار نگهداشتن رشته دوستی و محبت را نسبت بکسی و یا چیزیکه دوستش داری و میخواهی او را بدست بیاوری و تصمیم قطعانه میگیری تا به مقصد برسی و برای رسیدن به هدف همکاری دیگران را میخواهی، این را عهد، وفا و همبستگی گویند.

شکستن عهد، وفا باعث کندن رشته دوستی گردیده و جفا نام دارد. وفا کلمه مقدس است که میتوان آنرا بنور و روشنی، پاک، صفایی، نیکی و نیکوکاری، گذشت و از خود گذری، احسان و عدالت و در مجموع همه خوبیها را در آن سراغ نمود و به وجود افراد وفادار، افتخار کرد، با خود بالید و لذت برد. وفا داری به قدر شریف ولذت مند است که از روز پیدایش انسان بروی کره زمین و هم زمان به عمر آدمی خلق شده و در روابط بین انسان ها چی مرد و چی زن وجود داشته و کسانیکه نسبت بیگدیگر وفا دار بوده اند. از زندگی خویش لذت برده و به خوشی عمر بسر برده اند. درین موارد داستان های زیادی وجود دارد. که میتوان از طریق ، مطالعه کتب مشاهده فلم های سینمایی و حتی افسانه هائیکه سینه به سینه نقل شده اند. خوانده ، دیده و شنیده شود. امروز بیشتر انسانها، سریال ها و فلم های سینمایی را جهت تکمیل شخصیت خویش تماشا میکنند و از طریق اجرای نقش قهرمانان، خود را در نقش قهرمان کارهای خوب قرار داده و میخواهند نسبت به پدر ، مادر ، اقارب و هم وطنان خدمات ارزنده انجام داده و وفا داری نشان بدهند. کاری بدی نیست در شرط آنکه جنبه های مثبت تمثیل کنند نی منفی را که به ضرر عرف عادت و فرهنگ جامعه باشد. خویش و وطن خود سهم ارزنده گرفته جوانان را با خود هم پیمان ساخته از طریق همبستگی در ریشه کن ساختن جهل و عرف و عادات ناپسند کمر همت بسته محیط و منطقه خویش را از بدبختی ها نجات بدهند. ضرورت میر در شرایط کنونی تأمین صلح و امنیت است. جوانان باید بدانند که درین پروسه چگونه سهم خویش را که در ادانموده و در تشخیص دوست و دشمن وطن سهم بارز گردین چهره های پس برده را که در تخریب وطن ما سهم دارند افشا نموده و اضرار جنگ را بزبان ساده و محیطی به اطرافیان خود تبلیغ نمایند. بطور مثال : یگانه کشوریکه دشمنی های علنی و بیجا به کشور ما میکند پاکستان است. بگروه های وابسته خود دستور میدهد تا دهشت افگنی کنند. مکاتب مار را بسوزانند، پل ، پلیچک ، سرک و دیگر عمرانات وطن ما را تخریب کنند و آن هم تحت نام جهاد اسلام در حالیکه اهداف تخریبی آنها ضعیف ساختن کشورما میباشد و میکوشند در وازه های مکاتب ما بسته بماند تا نسل های آینده وطن ما جاهل بیسواد مانده اهداف شوم خویش را به آسانی تطبیق نمایند و کشور ما را اشغال کنند. جوانان متعهد، وفا دار و آگاه از طریق همبستگی خویش میتوانند خدمات ارزنده را به انجام برسانند.

طرز زندگی مردم الله یار در...

برادرها عجب رسمی جلو بود
نه چسای بودو نه قند بود ونه شکر
تیل خاک وبخاری را که ؟ میشناخت
چوب گلیه چسراغ شاه و گدا
اتاق بنانی آنجا که؟ میداشت
پسلاش اوغانی باش چو کم کم
متاع تسمتی شان سان وکریاس
جراب لیلونی کوش بلاستیک
چو شلوار پیتاوه همراه چارچ
رفیقان کشت صد منه که؟ میکاشت
خوراک خوب با لذت سرحد
بیا عبسداالعزيز کن شکر نعمت

سحر پتیر اشخاری به دو بسود
ندیم نان شان یک طاس او بود
زودود چلمه خانه مثل شو بود
چوب ارچه بمشل گیس نو بود
صاحبخانه مهمان یکجا به خوب بود
چسپری خرگه دردورش تنسو بود
لصاف خواطری جاجین مشو بود
نمی شناختند که این دو تا چطو بود
کلوش دوشیره پایچک گو بود
ده من گندم آذوقی سال نو بود
خلواک لایک و کاچسی جو بود
ترا کسب پسر داس و درو بسود

این شاعر در زمان حال که نوشیدن چای سبز بیک فرهنگ عامیانه تبدیل شده است، آنرا اینطور انعکاس میدهد:

عزیزان قوت جان آن جای سبز است
بخانه گرچه بسا شد گوشت پخته
سربالین بیماران گذر کن
نظاره کنن به بازار فقیران
اگر خواهی که بینی خوبرویان
بهرجا قلب خون آلود باشد
بدنیا لذت اشمار شاعر

شماع نورمژگان چای سبز است
پذیرفته به مهمان چای سبز است
شفای درمندان ای سبزر است
خوراک مستمندان چای سبز است
تسم های خوبان چای سبز است
دوای زخم پنهان چای سبز است
به محفل بزرگان چای سبز است

الته شاعری که این ابیات را سروده حاجی نور محمد نام دارد و درقریه غارگردک الله یار زندگی داشته تافعل زنده میباشد. وی شاعر محلی و دارای کلیات بزرگی میباشد که به طبع رسیده است. محترم مود صاحب درصفحه 311 تذکرة الشعراي غور خود ازاین شاعر یادی نموده است.

زندگی بین سالهای 1335 الی 1351 هجری شمسی: دراین دوره مردم بردیافت بخاری آتشی، چراغ تیلی الکنی و تکه های پخته گی چون، سان، گل بهار، جیم ، خواسه و چلیی ها میگردند که این حالت هرات موفق گردیدند. چای سیاه و سبز رواج پیدا نمود، جراب های پشمی بافت زندهای محل وبافت چپک، گلیم، جوال، قنچ (سوری) ، دیک های المونیمی وچایجوش های آن، کرتی های لیلامی، شلوارهای لیلامی وبلاپوش های لیلامی وچین کم کم دربین مردم رواج یافت.بیاله های چینی وچاینگ هایش را جوانان واریابان بدسترس داشتند. گوگرد روسی مروج گردید. تکه خاسه بخاطر بستن بسر منحبت لنگی کم کم معمول شد. عده انگشت شمار مردم فقط یک اتاق نسبتا بنانی بخود اعمار نمودند. جلب وجذب به عسکری وخدمت درزیر بیرق عمومی گردید وکسانی که از عسکری مرخص وصحت وسالم بخانه بر میگشتند، از زندگی شهری وخوردن سبزی وچغورن سبزی وکچالی ها میگردند که این حالت باعث گردید تا مردم بالنسبه متوجه زندگی بهتر شوند. کم کم بعضی ها به کشت کچالو رو آوردند.کاراستفاده ازسواروکاشت تنباکوعام گردید. کارگرفتن اززرد چوبه دردیگ رواج یافت. درزمستانها شکار خرگوش معمولی شد. خیلی کم ساعت و رادیو رواج یافت. مسافرت هانی درقریه های دوردست ودیگر جاها بعمل آمد. اما درهرجا باپای پیاده صورت میگرفت. یک مکتب دهاتی درمنطقه از طرف چغچران تاسیس شد. یک تعداد شاگرد از منطقه به متوسطه آنوقت چغچران جذب گردید.

زندگی بین سالهای 1352 الی 1380 هجری شمسی: بعد از سال 1351 مردم بسوی ایران برای کارگری رو آوردند. چون ایران کشور پیشرفته ونسبتا متمدن بود، این وضع بالای کسانی که به ایران رفتند ودوباره با یک مقدار پول بوطن برگشتند تاثیر خوبی بجاگذاشت. مردم با خود از ایران دیک بخار، دوشک اسفنج، کمپل ، رادیو وساعت آوردند. کاسه های چینی ونکلی عرض حضور یافتند. جراب نیلونی پیداشد. تکه های مرغوب ایرانی بنام شهری رونق پیدا کرد.به ساختن اتاق های بنانی توجه بعمل آمد.تعدادی ازجوانان بعضی پیشه هانی از ایران با خود آوردند مثل بنانی. ترمیم ساعت و رادیو رواج یافت. توجه به نظافت جوانان را بخود جلب نمود.

زندگی بعد از سال 1380: از آنزمان به بعد مردم بعوض اسف از سایکل درحمل ونقل کار میگيرند، عده زیادی درپور شده و دارای موتراهای فلن کوچ، کوج، تونس، سراپچه وکرولا شده اند. سرک بهر قریه احداث ورفت و آمد با موترها صورت میگيرد. درساختن اتاق های منظم بنانی کوشش فراوان بعمل آمده وهرکس دارای اتاق های قشنگ وزیبا شده اند.فرش های موکت ایرانی زینت هراتاق گردیده است.کارگری ورفتن به ایران دراین باره بامردم کمک زیاد نمود. مکاتب عام شد. کلینیک ها ایجاد گردی. شغل های ترمیم موتر وسایکل عمومیت پیدا کرده است. سفر بخارج وداخل عام شده ورفتن به پاکستان وایران مشکلی نمی باشد. تکه های مرغوب ونفیس ساخت پاکستان والبسه گرم چین برای همه رواج یافته است. فاج چاپایی ولنگی های اسپیشل پاکستانی را بسیاری بسر می بندند. داشتن سلاح وادم کشی عام میباشد. چور وچپاول از طریق زورمندان عام میباشد. مساجد جامع درمحللات لرام اعمار و مردم نمازهای عیدین وجمعه را با این مساجد میخوانند. لودسپیکرها درمساجد نصب وصدای آذان بگوش همه نطین می اندازد. حج رفتن بذوق هرکس تبدیل شده است که وابسته به طالع وبخت میباشد. درزراعت تراکتورها پدید آمده اند. خرمن ها با ماشین میده میشوند.سبزیکاری وباغداری کم کم رواج یافته است.استفاده از برنج جای خوراک های محلی را گرفته است. بالاخره خوردن وکشیدن تریاک جای نسواررا گرفته است که یک عمل بد ونا بخشودنی دانسته میشود زیرا که باعث بسا ناسازگاری های اجتماعی شده است ازینجاست که کشت، تجارت واستعمال مواد مخدر باعث بروز همه شقاوتها ، دزدیها، راهزنی ها، نفاق های قومی وکشتار مردم گردیده است، دیده شود که بعد ازاین چه اتفاق می افتد.

مجسمه تراش محلی

محمد دین انوری

عثمان ولد نجیب الله مسکونه قریه دره آسیاب سفلی منطقه الله یارچغچران میباشد که 20 سال عمر دارد ومکتب نخوانده اما نزد ملا محلش از سن 6 سالگی به آموزش مضامین دینی پرداخته تا کتاب های قدری وشروط الصلوات درس خوانده است وفعلا مصروف کار دهقانی ومالداری بوده تازه ازدواج کرده وتاهنوز صاحب فرزند نشده است.

از سن 16 سالگی به تراشیدن مجسمه ها شروع کرده است وتقریباً به تعداد 9 مجسمه حیوانات و2 پیکرانسان را ساخته است او از نوع سنگ بنام رشته که دارای رنگ سرخ وسفیلوش میباشد مجسمه ساخته است وی مجسمه هایش را با وسایل ابتدائی محلی میسازد واکثراً مجسمه هایش را برای دوستانش تحفه میدهد وهرکسی که ازوی تقاضا کند برایش یک مجسمه می تراشد وبطور رایگان بخشش میکند. سنگ های را که برای ساختن مجسمه استفاده میکند ازساحه آب کمزک نزد دیک قریه اش میآورد وی میگوید برای اینکه مجسمه هایش خراب نشود کوشش میکند درجریان کار بالای مجسمه سنگی آب ونم نرسد قسمیکه او تجربه دارد آب ونم برای سنگ های مخصوص مجسمه سازی ضررمیرساند وآنرا بی کیفیت میکند وبرعلاوه او دردرساختن مجسمه از روغن استفاده میکند ومیگوید سنگ وقتی به مجسمه تبدیل شد جلاداده شده مقبول ومحکم میشود.

درجایکه او کارمیکند دیگر کسی به هنر مجسمه سازی بلدیت ندارد وخود او هم تاهنوز بکسی هنرخودرا نه آموخته است وی میگوید اگر کسی علاقه داشته باشد مجسمه سازی رایاد بگیرد من حاضریم برایش آموزش بدهم عثمان از کودکی علاقه داشته تا ازگل حیوانات واشنبامورد پسندش را بسازد وبدها به یکباره گی شروع کرد به تراشیدن مجسمه.

او اوقات تنهای وفرغت خودرا به اندیشه درمورد مسایل امور زنده گی وساختن مجسمه هایش سپری میکند.وقتی خسته ودیق میشود به گردش وسیاحت مناطق جالب ودیینی اطراف قریه خود بادوستان وهمسالانش میرود از خوردنی هابه میوه جات زیاد علاقه دارد وهمچنان پدرومادرش مانع هنرش نمیشوند. اودرآینده میخواهد به تراشیدن وساختن مجسمه ادامه دهد وآرزو دارد سامان ووسایل مدرن را بدست آورد ودرکارش تاهنوز از کسی کمک نخواسته ولی میخواهد نزد استادبا تجربه مسلکی به آموزش هنرمجسمه سازی بنشیند وازین هم بهتر کارکند.

وی تاهنوز شهرهای کابل هرات وغزنی را دیده است وعلاقه فراوان برای دیدن سایرمنطق افغانستان دارد.

عثمان درجریان گفتگوی خویش از ریاست اطلاعات و فرهنگ غورگله گذاری میکند ومیگوید هیچ امیدی ازین ریاست ندارم ولی شنیده ام که این ریاست دراستای تشویق وترغیب هنرها وظیفه دارد. درنهایت امیدوارم بعدازین این جوان مجسمه تراش را ریاست اطلاعات وفرهنگ وهمچنان سایر نهادهای هنردوست کمک نموده وزمنه بیشتر کار را برایش مساعد سازند شاید مانند وی اشخاص دیگری نیز در بعضی اوزقراً وقصبات غور وجود داشته باشد که مایه افتخار وسربلندی ماشود ازوجود همچو اشخاص ورزیده استفاده سالم نموده وهنرشاندرسطح ولایت وکشور رونق داد.

نکات

برگ سبز تحفه درویش

شاگرد در امتحان چونکه هیچ درس نخوانده بود در پارچه امتحان خود به استاد نوشت برگ سبز تحفه درویش وقتی استاد پارچه را دید در پارچه شاگرد صفر نوشت و گفت کم ما و کرم شما.

دنیا را بدون خانم ها تصور کنید

۱- بازارها خلوت ۲- پول ها محفوظ ۳- اعصاب ها آرام ۴- تلفونها روبه سقوط ۵- شیطان بیکار ۶- همه میروند بهشت.

زمستان

به ملا نصرالدین گفتند: اسمال زمستان بسیار سرد است برای سردی چه وسایل تهیه کرده اید؟ ملا گفت: فقط لرزیدن...

زهر مار

یک چاشت مردی به خانه خود آمد از خانم خود پرسید برای چاشت چه پخته میکنی زن با عصبانیت می گوید زهر مار مرد می گوید نوش جان من خانه کاکایم مهمان هستم.

اتفاق

از یک آدم سوال کردن بزرگترین اتفاق که در زندگی برایت افتاده که هیچوقت فراموش نمیشه بگی چی است؟ جواب داد راستش یک وقت درسک با آنکه اسهال بودم فکرم نشد گوز زدم.

ورزش

از رییس فدراسیون ورزش قندهار پرسان کردند که شماورزش میکنید؟ گفت نخیر ورزش نمیکنم ولی ورزش کاران را میکنم.

کپسول خنده!

میگویند که تجربه نشان داده که در بین فامیل های افغان یک گوز مساویست با بیست تا کپسول خنده

کله و پایچه کوسند

مردی میره پیش داکتر ومیگه که بسیار ضعیف شده ام . داکترمیگه:مه تو را ماینه کدم هیچ تکلیف نداری فقط باید بعد از امروز ، کله، پایچه و مغز کوسند بخوری که یک زره قوی شوی.مرد میگه:داکترصاحب ، ای چیزا را که گفتمی ، بعد ازنان بخورم یا پیش از نان؟؟؟؟؟؟

پس ناکام

روزی پسری در امتحانات مکتب ناکام شده بود پدرش قهرشند و گفت ببین دختر همسایه را که در امتحانات خود اول نمره شده پسر جواب داد و گفت مه خو همو دختر را میدیدم که ناکام شدم.

شعری از ملا خلیفه اقبال شاعر محلی الله یار

که درشان آنحضرت (ص) سروده است:

به احمد نور بی همتاش داده	به احمد نور بی همتاش داده
یتیمی را بیا بنگر تو اقبال	به تارک تاج کرمناش داده
بخواب ناز، هجره امهانی	نوید از عالم بالاش داده
امین وحی ز صدر راه رسیده	براق از جنت الماواش داده
شب اسراء بعبده را به بردند	امام مسجد اقصاش داده
ملانیک دور آن شه صف کشیدند	میان دیدۀ دل جاش داده
به سرداری همه کردند قبولش	زقرآن یس و طاهش داده
گل رویش که والشمس وضی بود	زواللیل جعد عنبر ساش داده
شده انا فتحنا لشکری او	شکست جمله اعداش داده
لعمرك خلقت عمر عزیزش	چو تاجی برسر زیباش داده
قمر چون دید انگشت مبارک	دو نیمه از اشارت هاش داده
زاقصی عزم سوی آسمان کرد	همه فوج ملک همراهش داده
حجر طاقت نیارود از جدانی	معلق درهوا سکناش داده
درهفت آسمان بروی گشودند	همه دربان ملانیک هاش داده
به بردند شاه را دست بدستش	زرف رف فرش زیر پاش داده
شهی لولاک را درلیل معراج	لسقای خالق یک تاش داده
همان عرش عظیم حق تعالی	شرف از گرد نعلین هاش داده
رسیده درمقام قاب قوسین	مشرف ها ز اوادناش داده
شنید آنجا کلام حق تعالی	که لذت با همه اعضاش داده
سلام حق ورا گردید تحفه	ازان تحفه به امتهاش داده
اگر چه گفت موسی رب ارنی	جواب لن ترانی هاش داده
ازین بیش نیست کس راحد گفتن	مقام لی المعلا هاش داده
گناه امتی اقبال آن شب	که وعده با شفاعت هاش داده

هنر مندان منطقه الله یار

موسیقی و خواندن از قبیل سرودن ابیات عامیانه و چهار بیته، نوازندن دوتار، ارمنیه، نی و طبله و غیره آلات موسیقی یکی از رسوم و عنعنات اسبق و فلکلوریک مردم این منطقه بشمار میرود که از دوره های سلطنت غوری ها تا حال ادامه داشته و دارد. زمانیکه درین منطقه عروسی ویا جشن هر دو عیدین گرفته می شود ، تمام جوانان و بزرگ سالان قراء وقصبات نزدیک باهم در یک خانه جمع شده و آواز خوان های محلی را گرد هم می آورند تا آن روز و شب را با دوتار نوازی، آواز خوانی، دف و دیربه و طبله و رقص سپری کنند.

هنر مندان محبوب این منطقه محترم محمد"رسولی" ، خوشدل "شوقی" ، محمد خان "فرهادی" ، محمد نصیر" نصرت"، اسرائیل "عبدلی" و قاسم "رسولی" میباشد. آقای رسولی در سال 1360 م-ش در قریه ده سرخ مربوط ولایت غور متولد شده است و نسبت به شوق و علاقه که در موسیقی داشت، به دو تار نوازی و آواز خوانی آغاز نمود. در سال 1376 م-ش در ولایات غور و بادغیس شهرت خاص پیدا کرد و بحیث هنرمند و آواز خوان محلی نقل محفل ها شد که خورد و بزرگ از آواز دلپسند و حنجره زیبایش لذت میبردند. مردم ولایات غور و بادغیس در هر عروسی و دیگر جشن ها آقای رسولی را دعوت میکردند و صد ها کست های رنگا رنگ محلی از او ضبط گردیده و در کست فروشی های هرات، غور و بادغیس بفروش میرسد. آقای رسولی شعر میسر آید و آهنگ های محلی میخواند. وی شاگردان زیادی را برای آواز خواندن و نوازندن دوتار تربیه کرده است. قابل یاد آوریت که استاد بهاولدین" صالح زاده" یکی از بهترین دوتار نوازان، طبله چین و ارمنیه نواز منطقه است. آقای رسولی، شوقی و صالح زاده در سال 1354 م-ش به جشنواره سوم بین المللی گل سرخ به مزار شریف که از طرف بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی افغانستان دعوت شده بودند و در میله گل سرخ کنسرت های رنگا رنگ محلی اجرا نمودند ، تقدیر نامه ها و تصدیق نامه ها را از آن خود کردند و همچنان در سال 1388 در جشن امپراطوری غوری ها به کابل دعوت شدندو هنر های محلی خود را مؤفقتانه اجرا نمودند که از طرف بزرگان و حاضرین در محفل تقدیر شدند. آقای رسولی هنر مند و آواز خوان محلی و فعال میباشد. اما متأسفانه ارگان های زیربند طوریکه لازم بود از استعداد های هنری و نیرو های فکری و جسمی آقای رسولی استفاده نه نموده اند. وی به هنرمندان و عنعنات منطوقی احترام خاص دارد. یگانه آرزو و پیغامش به جوانان در راستای آموختن تعلیم و تربیه (علم ودانش) و زنده نگهداشتن موسیقی و خواندن های محلی در منطقه و جامعه میباشد.

عبدالصیر" نادرافشار"

شعار ما!!!

ماهانامه جوانان الله یار بدین طریق از عموم محصلین. شاگردان مکاتب. ملا امامان. شعرا و نویسندگان مردم الله یار اعم از مربوطات جوند. شهرک و چغچران صمیمانه آرزومند است تا نوشته های خویش را در مورد الله یار عنوانی این ماهنامه جهت نشر بفرستند. هیئت رهبری ماهنامه از یکایک شما این انتظار را دارد زیرا این ماهنامه خاص برای شما و بخاطر شما میباشد. یک ورق خاص به ملا امامان مدنظر گرفته شده است. بیایید تا باهم یکجا منطقه خویش را که یک منطقه گم نام و فراموش شده است. از طریق این نوشته ها بدیگران بشناسانیم و هویت خود را ظاهر سازیم. به امید و انتظار نوشته های شما. مطالب ارسال شده از نویسنده است. ما بدون از سرمقاله به مطالب دیگر مسؤلیت نداریم. اداره ماهنامه الله یار

صاحب امتیاز:

نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار

مدیرمسؤل:	لعل میر دانشور "مردی" (0799389847)
معاون مدیرمسؤل:	خان محمد "برنجیان"
سر دبیره:	سمیع الله همدرد پور (0796655178)
معاون سردبیره:	احمد طاهر "تنها"
هیئت تحریر:	محمود "بی پروا" و گرو نویسنده گان
تمویل کننده ها:	محمد یوسف "دانبار"، محمود "بی پروا"، محمد انور "عمری" و تاج الدین غوریانته

گزارشگران: غلام نبی "حسن زاده"، امیرجان "صابری" غلام نبی سخی زاده

شاه محمود "شابق" عبدالصیر "نادرافشار"؛ نصیب الله "پویا" و محمد نعیم فروزانقر "ادهمی".

طرح و دیزاین: محمد نسیم "بی پروا"

آدرس الکترونی: jawananallahyar@gmail.com

آدرس ما: دفتر نهاد جوانان الله یار قریه نو آباد غار